



وَجَعَلَ لَهَا أَجْنَحَهُ مِنْ لَحْمِهَا تَعْرُجُ بِهَا  
عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَى الطَّيْرَانِ، كَأَنَّهَا شَطَايَا  
الْأَذَانِ، غَيْرَ ذَوَاتِ رِيشٍ وَ لَأَقْصَبَ، إِلَّا  
أَنَّكَ تَرَى مَوَاضِعَ الْعُرُوقِ بَيْنَهُ أَعْلَامًا. لَهَا  
جَنَاحَانِ لَمَّا يَرِقَّا فَيَنْشَقَّا، وَلَمْ يَغْلُظَا فَيَثْقُلَا.  
تَطِيرُ وَ وَلَدُهَا لَاصِقٌ بِهَا لَأَجِيءُ إِلَيْهَا، يَقَعُ  
إِذَا وَقَعَتْ، وَ يَرْتَفِعُ إِذَا ارْتَفَعَتْ، لَا يُفَارِقُهَا  
حَتَّى تَشْتَدَّ أَرْكَانُهُ، وَ يَحْمِلُهُ لِلنُّهُوضِ  
جَنَاحُهُ، وَ يَعْرِفُ مَذَاهِبَ عَيْشِهِ، وَ مَصَالِحَ  
نَفْسِهِ. فَسُبْحَانَ الْبَارِيءِ لِكُلِّ شَيْءٍ، عَلَى  
غَيْرِ مِثَالِ خَلْقٍ مِنْ غَيْرِهِ!



## عجائب فی خلقه الخفاش

وَمِنْ لَطَائِفِ صُنْعَتِهِ، مَا أَرَانَا مِنْ غَوَامِضِ الْحِكْمَةِ  
فِي هَذِهِ الْخَفَافِيشِ الَّتِي يَقْبِضُهَا الضِّيَاءُ الْبَاسِطُ  
لِكُلِّ شَيْءٍ، وَ يَسْطُهَا الظَّلَامُ الْقَابِضُ لِكُلِّ شَيْءٍ...!

بسم الله الرحمن الرحيم



پژوهشی در مورد :

## نظام آفرینش و نهج البلاغه

زهرا عسکری

معاونت پژوهشی حوزه علمیه ام الائمہ (س)

آذرماه 98

## آفرینش خفاش

از لطایف صنعتش و شگفتیهای خلقتش همان اسرار پیچیده حکمتی است که در وجود شب پره ها به ما نشان داده است.

همان جاندارانی که روشنی روز با آن که همه چیز را می گشاید، چشمانشان را می بندد! و پرده تاریکی شب که همه چیز را در ظلمت خویش می کشد، چشمان آنها را باز و گسترده می سازد، چگونه چشمهایشان به طوری نابینایی یافته که نمی تواند از خورشید نورانی استمداد جویند و به راههای خویش هدایت گردند و با روشنی خورشید به سر

منزل مقصود خویش برسند؟! ...

به هنگام روز پلکهای چشمهایشان بر روی هم

می افتد و شب را برای خود چراغ روشنی قرار داده و در ظلمتگاه شبها روزی خود را جستجو می کنند، نه تاریکی شدید شب چشم آنها را از دیدن باز می دارد و نه ظلمت سختش آنها را از حرکت در آن مانع می گردد، اما آن گاه که خورشید نقاب را از چهره بر گرفت و روشنایی روز آشکار گردید و تا درون لانه بر سوسمارها نور خویش را پاشید، ناگهان پلکهای چشم این شب پره ها روی هم قرار می گیرد و به آنچه در تاریکی شب برای ادامه زندگی فراهم ساخته

قناعت می کنند...

از گوشتها برای آنها بالهایی آفرید تا بدان وسیله به هنگام نیاز پرواز کنند، این بالها گویی لاله های گوشند ولی بالهای بدون پر و بدون نی هایی در میان آن! اما مواضع رگها به روشنی پیداست. دو بال دارند نه آن قدر نازک که بشکنند و نه آن قدر ضخیم که سنگینی کنند! آنها می پرند در حالی که جوجه هایشان به آنها چسبیده و به مادرانشان پناه بسته اند... منزّه است آفریدگار تمام اشیا که در آفرینش آنها کسی از او سبقت نگرفته است.

.....  
نهج البلاغه، خطبه 155